



چالش‌های حقوق بشری پدیده مهاجرت با تأکید بر حق بر سلامت

علیرضا انصاری مهبیاری

استاد یار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

alimahyari63@gmail.com

زهرا سادات حسینی

دانشجوی دکتری تخصصی رشته حقوق بین الملل، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Zahra.hosseini00@yahoo.com

احمد رادمان

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

Ahmadradman1994@gmail.com

چکیده

پدیده مهاجرت در جامعه بین المللی به عنوان یک موضوع گسترده جهانی مطرح شده و این گستردگی باعث شده تا چالش‌هایی در این مسیر پیش روی مهاجران قرار گرفته که در راه رسیدن به مقصد خود با این مشکلات روبرو شوند. وجود قوانین متعدد در کشورها با موضوع مهاجرت و رویه‌های بین المللی متعدد در این زمینه باعث می‌شود که مشکلات حقوقی زیادی برای مهاجران و همچنین دولت‌های مهاجر پذیر و مهاجر فرست ایجاد گردد. مهاجرت و حقوق بشر دو موضوع مجزا اما دارای ارتباط نزدیک با هم بوده و می‌توان گفت حقوق بشر از اجزای اصلی موضوع مهاجرت می‌باشد. هدف در این پژوهش، بررسی ارتباط میان موضوعات مهاجرت و حقوق بشر بوده که دامنه این ارتباط محدود به مشکلات حقوقی و غیر حقوقی بین المللی می‌شود و اینکه علل بروز این مشکلات چه عواملی هستند که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به علل وجود این چالش‌های حقوق بشری در موضوع مهاجرت پاسخ داده می‌شود که هدف محقق، بررسی علل وجود چالش‌های حقوق بشری در موضوع مهاجرت و تمرکز برای حصول نتیجه در زمینه کاهش و رفع این چالش‌ها که ناشی از ضعف قوانین داخلی کشورها و همچنین ضعف و ناکارآمد بودن قوانین و رویه‌های بین المللی بوده که در انتها منجر به اراده یک راهکار مناسب برای رفع این چالش‌های در جامعه بین المللی می‌باشد که با استفاده از یک وحدت بین المللی که شامل ایجاد اتحاد میان سازمان‌های مرتبط بین المللی با موضوعات حقوق بشر و مهاجرت و ایجاد یک وحدت رویه قضایی حقوقی در میان اعضای جامعه بین المللی و استفاده از تجارب و طرح‌های سازمان‌های مدافع حقوق بشر در موضوعات مطرح شده نسبت به رفع این چالش‌ها اقدام نمود.

کلید واژه‌ها: چالش‌های حقوق بشری، حق بر سلامت، مهاجرت، تعهدات حقوق بشری، قاچاق انسان.

مقدمه

حرکت جمعیت از مکانی به مکان دیگر از در تاریخ بشر از قدیم تاکنون متداول بوده است، اما در دنیای امروز این نقل مکان‌ها شکلی جدید به خود گرفته است. شکل گرفتن دولت‌های ملی، نابرابری عظیم اجتماعی-اقتصادی و چالش‌های امنیتی این جابجایی‌ها را بسیار دگرگون کرده است. امروزه جابجایی انسان‌ها فقط ناشی از تلاش فردی یا جمعی آنان برای بهبود وضعیت خود نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی این روند را تحت تاثیر قرار داده است. در دنیای امروز، پیشرفت علم و صنعت و به دنبال آن پیشرفت کشورها باعث شده تا انسان‌ها برای ساخت و فراهم کردن یک زندگی بهتر



به دنبال مهاجرت از کشورهای فقیر و یا در حال توسعه به کشورهای پیشرفته باشند. این موضوع باعث شده قوانین و مقرراتی در زمینه مهاجرت برای ورود این افراد به دیگر کشورها وضع و تصویب شود. با نگاهی به وضع مهاجران در سراسر جهان می توان گفت که این قوانین و مقررات در بعضی موارد مفید بوده و هم چنین در موارد بسیاری نیز ناکارآمد و دارای عدم ضمانت اجرای کافی بوده اند. امروزه اگر کسی بخواهد برای ساختن و شروع یک زندگی جدید و یا برای ادامه تحصیل به کشور دیگری مهاجرت کند؛ باید از موانع اداری و قانونی بسیاری عبور کند تا بتواند به هدف نهایی خود که مهاجرت است، جامه عمل بپوشاند. اما این موارد تنها مشکلاتی نیستند که فرد مهاجر باید با آن ها روبرو شود. اگر فرد موفق به مهاجرت شود، چه از طریق راه های قانونی مانند سرمایه گذاری، مهاجرت برای کار، مهاجرت تحصیلی، مهاجرت از طریق ارتباط خانوادگی، باید دید در کشور مقصد فرد مهاجر از چه حمایت های قانونی و حقوق بشری برخوردار خواهد شد؟ آیا فرد مهاجر می تواند برای احقاق حقوق تزییع شده خود به مراجع قانونی مراجعه کند؟ آیا کشور متبوع مهاجر از وی در برابر عوامل تزییع کننده حقوقش دفاع خواهد کرد؟ این سوالات در صورتی دارای پاسخ مثبت خواهند بود که مهاجرت به صورت قانونی انجام پذیرد؛ اما اگر فرد به صورت غیرقانونی و یا توسط قاچاقچیان به کشور دیگری مهاجرت کرده و نقل مکان کرده باشد، آیا باز هم پاسخ مثبت خواهد بود و فرد تحت حمایت قانونی و از حقوق خود برخوردار خواهد شد؟ در متون حقوق بشری عنوان شده که هر فرد به صرف انسان بودن دارای حقوق است؛ پس با این تفاسیر باید گفت که با ورود یک مهاجر غیرقانونی، مهاجر اجباری، آواره و یا یک پناهنده به کشور دیگر نیز وی دارای حقوق اولیه و تحت حمایت های حقوق بشری قرار خواهد گرفت (سازمان جهانی مهاجرت، ۲۰۲۰). گزارشات منتشر شده توسط سازمان های بین المللی مرتبط با حوزه های حقوق بشر و مهاجرت، نشان دهنده این موضوع است که در زمینه ارتباط بین موضوعات مهاجرت و حقوق بشر، حقوق افراد ذکر شده به صورت گسترده توسط افراد و دولت ها نقض می گردد که این یکی از اصلی ترین چالش های حقوق بشری موضوع مهاجرت است.

۱. مروری بر پدیده مهاجرت

مهاجرت و هنجارهای حقوقی بین المللی موضوع جدیدی در شناخت قواعد حقوق بین الملل در رابطه با حرکت عظیم مهاجرت میلیون ها انسان از مرزهای بین المللی در طول هر سال است. از سال ۱۹۶۵ میزان مهاجران بین المللی تقریباً دو برابر گشته است، به طوری که از سال ۲۰۲۰ قریب به ۲۷۲ میلیون مهاجر در دنیا سرشماری شده اند (سازمان جهانی مهاجرت، ۲۰۲۰). موارد مطرح شده در این حوزه از دانش حقوق بین الملل؛ شناسایی هنجارهای اعمال شده توسط مقامات دولتی هر کشور در موضوعات تنظیم مهاجرت، امنیت ملی، آزادی سفر، مهاجرت اجباری، حقوق بنیادین بشر در حوزه مهاجرت، الحاق خانواده ها به یکدیگر، قاچاق انسان، بهداشت، همگرایی و تابعیت را شامل می شود. برخلاف تصور عموم که اسناد حقوقی جامعی حاکم بر مهاجرت بین المللی وجود ندارد، مهاجرت و قواعد حقوقی بین المللی راجع به آن مبین وجود گستره عظیمی از قواعد حقوقی مرتبط با مهاجرت مشتمل بر معاهدات چند جانبه، توافق نامه های منطقه ای و سرانجام حقوق بین الملل عرفی در این خصوص می باشد (سازمان ملل، ۲۰۱۸). سازمان بین المللی مهاجرت به عنوان یگانه سازمانی که دانش و تجربه را در این خصوص از ۶۰ سال پیش به مشارکت جهانی گذاشته است، براساس درخواست دول عضو در سال ۲۰۰۱ نخستین گفتگوی بین المللی را در مورد مهاجرت ترتیب داد و بر رویکردی جامع به منظور مدیریت مهاجرت تاکید کرد. یکی از مهمترین ساز و کارهای این رویکرد، نیاز به شناخت و فهم چارچوب حقوقی بین المللی موجود برای رسیدن به مدیریت مهاجرت است. این سازمان یک تشکیلات بین دولتی است که در سال ۱۹۵۱ با رسالت سازماندهی امور مهاجرت در سرتاسر جهان تاسیس گردید.

عمده فعالیت این سازمان در دو بخش خدمات و برنامه ها و سیاست گذاری در قالب پنج محور اصلی شامل مهاجرت و توسعه، تسهیل مهاجرت، قانونمندی سازی مهاجرت، مهاجرت اجباری و حوزه میان بخشی (همکاری فنی پژوهش، حقوق بین المللی مهاجرت، مباحث سیاست گذاری و تدوین خط مشی، حقوق مهاجرین، مهاجرت و بهداشت، ابعاد جنسیتی مهاجرت و...) متمرکز



شده است. رسالت اصلی سازمان بین المللی مهاجرت بر مهاجرت انسانی و قانونمند در جهت فراهم کردن منافع همگان از جمله دولت ها و جوامع انسانی استوار است (سازمان جهانی مهاجرت، ۲۰۲۰). مهاجرت کار عبث و بیهوده ای نیست، چارچوبی حقوقی آن را شکل و نظام بخشیده است و سازمان های بین المللی متعددی نیز تحت همین عنوان بر صحت و تسهیل انجام فعالیت های آن نظارت مستمر دارند. حقوق بین الملل مهاجرت؛ خدمتگزار مساعدی است تا میان دارندگان حق و خواستاران آن توازنی عادلانه برقرار کند و تأسیس سازمان بین المللی مهاجرت تلاشی بود تا توازن جدید را تثبیت کند و به عنوان سازمانی فراملی و بین الدولی، نظم دهنده این پدیده پیچیده باشد. البته سازمان های غیر بین المللی نیز در اجرای قانونمند این پدیده با تربیت افراد آگاه و وکلا کارآزموده برای نیل به مدیریت جهانی مهاجرت تلاش می نمایند. در قوانین ملی کشورهای بزرگ و پیشرفته که اغلب به عنوان مهاجرپذیران این گیتی تلقی می گردند نیز، این پدیده جهان شمول نظام مند شده است، همچنین در رویه های قضایی نیز شاهد بررسی امکان انتساب و یا اعطا این پدیده می باشیم (غفاری نمین، ۱۳۹۰: ۵۴).

۱-۱. مهاجرت و حقوق بشر

مهاجرت و حقوق بشر از دو حیطة قابل بررسی می باشد. از حیطة موضوعات قاچاق که خود شامل قاچاق زنان و کودکان برای مقاصد کار اجباری، فحشا و تن فروشی، هرزه نگاری، قاچاق اعضای بدن، پناهندگان و آوارگان جنگ زده، وضعیت آن ها در جامعه حقوقی امروز که با توجه به وقوع درگیری ها و جنگ های مختلف؛ مخصوصاً در خاورمیانه که باعث شده پناهندگان و آوارگان بسیاری به سمت قاره اروپا روانه شوند؛ و در آخر مهاجرت غیر قانونی که از طریق راه های آبی، زمینی و یا در مواردی از طریق مرزهای هوایی از طریق اسناد شناسایی جعلی یا از طریق اعمال مجرمانه مانند هواپیما ربایی صورت می گیرد. مهاجرت های قانونی مانند مهاجرت کاری، مهاجرت تحصیلی، مهاجرت جهت اقامت در یک کشور، باید مورد بررسی قرار گیرند که آیا در همه موارد که شخص از طریق قانونی اقدام به مهاجرت کرده، آیا دولت پذیرنده بر طبق قوانین بین المللی؛ حقوقی که هر مهاجر داراست را رعایت می کند یا خیر؟

حیطه دوم که قابل بررسی است، قوانین و نقاط قوت و ضعف های آن ها در ارتباط با موضوعات مطرح شده است که باید نقش حقوق بشر در زمینه مهاجرت در این موضوعات مورد بررسی قرار گرفته شود. باید بر این نکته تأکید کرد که مهاجرت بدون در نظر گرفتن موارد حقوق بشری را نمی توان یک مهاجرت ایمن دانست، زیرا وقتی یک فرد اقدام به مهاجرت می کند اما در کشور مقصد هم توسط تابعان حقیقی و حقوقی و هم توسط دولت پذیرنده، حقوق او نقض می شود، پس این مهاجرت چه سودی برای او داشته است؟ وقتی دولت مقصد به این شخص به عنوان یک انسان آزاد و دارای حقوق و حمایت های حقوق بشری مورد توجه قرار نمی دهد، پس در صورت نقض حقوق و آزادی های این شخص توسط افراد تابعه دولت پذیرنده، شخص حق تقاضای احقاق حقوق خود را ندارد و به عنوان یک فرد بی هویت تلقی می شود (دیکسون، ۱۳۹۶: ۲۰۸). مهاجرت یک پدیده نوین است که نیازمند تدوین و تصویب قوانین جدید و بروز در ارتباط با بحث مهاجرین و حقوق بشر در سرزمین دولت پذیرنده توسط مراجع بین المللی است. ارائه این طرح ها باید توسط کمیسیون حقوق بین الملل و سازمان های بین المللی مرتبط و برای تصویب توسط سایر کشورها مخصوصاً کشورهای مهاجر پذیر تهیه و تنظیم شود. حقوق مهاجران دارای یک سیستم جامع و یکپارچه بین المللی نیست و به نوعی یک حقوق انتخابی است که هر کشور شیوه مخصوص به خود را دارد. موضوع مهاجرت یک موضوع جدید و نوظهور بوده که گستردگی وسیع، وجود مشکلات فراوان، وجود جرایم مرتبط، عدم تمایل کشورها برای تدوین قوانین متحد و یکپارچه برای مبارزه با قاچاق و مهاجرت غیرقانونی و حمایت از آوارگان و پناهندگان را در مسیر خود دارد که این باعث شده تا جرایم در این حوزه ها روز به روز افزایش پیدا کند و افراد بسیاری در سراسر جهان بدون هیچ حمایت قانونی جان خود را از دست بدهند و به جای رسیدن به یک زندگی جدید، زندگیشان خاتمه یابد.

۲-۱. اشکال و شیوه های مهاجرت

مهاجرت دارای اشکال و شیوه های مختلفی است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.



۱-۲-۱. مهاجرت های فردی و گروهی

چنانچه افراد با مسئولیت و ابتکار خود بدون هیچگونه حمایت یا فشاری اقدام به مهاجرت نمایند، به عنوان مهاجر فردی تلقی می شوند؛ خواه به صورت فردی و یا خانوادگی به این امر مبادرت کرده باشند. معمولاً سیر حرکت اینگونه مهاجرت از سوی کشورهای کمتر توسعه یافته و یا در حال توسعه به سمت کشورهای توسعه یافته است، به بیان دیگر سیر حرکت این مهاجرت جنوب به شمال می باشد. تا اواخر قرن نوزدهم میلادی اکثر مهاجرت ها به صورت گروهی صورت می پذیرفت. این اقدام به دنبال جنگ ها، حملات و تجاوزات حکومت های مستبد و جابر که تاریخ گویای آن است، حادث می شد (سرافراز، ۱۳۹۴: ۳۶).

۱-۲-۲. مهاجرت اجباری و اختیاری

مهاجرت اجباری بر اساس عوامل اجباری از جمله فرار از تعقیب قانونی، بلایای طبیعی، حوادث زیست محیطی یا شیمیایی یا اتمی و یا پروژه های توسعه ای، فقر شدید و به صورت مشهود به تبع جنگ ها شکل گرفته و افراد را مجبور به جابجایی کرده است. انسان ها برای گریز از تعقیب، جنگ های نظامی و اختلافات سیاسی مجبور بوده اند خانه های خود را ترک کنند و در پی مکان های امن باشند، چرا که جنگ؛ کمتر مقابله بین نظامیان حرفه ای است و بیشتر ستیزی طاقت فرسا بین نظامیان و شهروندان عادی می باشد؛ آمار کشتار مردم غیرنظامی در زمان جنگ از ۵ درصد در آغاز قرن بیستم به ۱۵ درصد در زمان جنگ جهانی اول و تا ۶۵ درصد در زمان جنگ جهانی دوم و به بیش از ۹۰ درصد جنگ های دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته است که در نتیجه همین جنگ ها مفاهیم مهاجرت های اجباری و پناهندگی و آوارگی به وجود آمدند. بعد از قرن هفدهم و با برقراری صلح نسبی در جهان، در راستای مهاجرت اجباری؛ مقوله جدیدی تحت عنوان مهاجرت اختیاری نیز شکل گرفت، هدف اصلی مهاجران گروه اخیر؛ تلاش در به دست آوردن زندگی بهتر، از جمله فراهم نمودن فرصت های شغلی در کشور مقصد بوده است (سرافراز، ۱۳۹۴: ۳۹).

رشد فقر در جهان، افراد را وادار نمود تا جهت یافتن کار جا به جا شوند، تصاویری از زندگی بهتر در دیگر نقاط جهان از طریق رسانه های جمعی که اکنون این رسانه ها به دورترین نقاط و جوامع رسیده است، باعث آگاهی افراد شد. اختلاف گسترده در ثروت شمال و جنوب از یک طرف و نیاز به جوانان و نیروی کار ارزان در کشورهای شمال از طرف دیگر باعث تشویق مهاجرت به کشورهای اخیر می باشد. افراد جویای کار، اعضای خانواده آن ها و دانشجویان بیگانه در این گروه جای می گیرند، این مهاجران به خواست خود تصمیم به مهاجرت می گیرند؛ البته هر چند ممکن است این افراد را فشارهای اقتصادی و یا سایر عوامل مجبور به جابجایی نموده باشد ولی عموماً این افراد در گروه مهاجران جای نمی گیرند (عینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱).

۱-۲-۳. مهاجرت های منظم و نامتعارف

مهاجران قانونی، منظم یا ثبت شده شامل کسانی می شوند که ورود، اقامت و استخدام آن ها در کشور مهاجر پذیر توسط مراجع رسمی دولتی مجاز شمرده شده باشد. مهاجرت قانونی از راه های مختلف و براساس مدت مهاجرت به صورت دائمی یا ادواری صورت می پذیرد. عنوان مهاجرت نامتعارف در واقع تلفیق مهاجرت غیرقانونی و نامنظم می باشد، که این عنوان به صورت عام به هر دو شیوه اطلاق می گردد. مهاجرت قانونی به دو دسته کلی تقسیم می شود:

الف) مهاجرت قانونی اعطایی (دائم): این شیوه از مهاجرت که خود قابل تقسیم بر سه حالت؛ مهاجرت قانونی از طریق سرمایه گذاری؛ مهاجرت قانونی و دائمی متخصصین و مهاجرت قانونی از طریق ارتباط فامیلی می باشد؛ به متقاضیان حق مهاجرت دائم از طرف کشور مهاجر پذیر اعطا می گردد.

ب) مهاجرت قانونی اکتسابی (ادواری): در نوع دیگری از تقسیمات مهاجرت قانونی؛ که تحت عنوان مهاجرت غیردائم یا ادواری مطرح است؛ حق مهاجرت موقت توسط متقاضی از کشور مهاجرپذیر کسب می گردد. این شیوه نیز خود منقسم بر چهار حالت؛ مهاجرت موقت متخصصین، مهاجرت قانونی ویژه خدمتکاران و پرستاران منازل، مهاجرت قانونی از طریق اخذ پذیرش دانشجویی و تحقیقاتی و مهاجرت توریستی می باشد (غفاری نمین، ۱۳۹۰: ۱۴).



۱-۲-۴. مهاجرت نامنظم

مهاجرت نامنظم یا ثبت نشده که با عناوینی چون مهاجرت پنهان یا غیر شفاف نیز از آن یاد می شود و برخی مواقع به طور ناصحیح از آن به عنوان مهاجران یا مهاجرت های غیرقانونی نیز تعبیر می شود؛ شامل افرادی است که به طور قانونی وارد کشور میزبان می شوند ولی مجوز اقامت دائم را قانوناً ندارند و چنانچه بیش از حد مجاز در کشور مقصد اقامت نمایند، بدین مفهوم است که از شیوه قانونی به شیوه نامنظم تغییر وضعیت داده اند. توریست ها، دانشجویان خارجی یا متخصصان قراردادی موقت که بیش از حد مجاز در کشور میزبان سکنی گزیده اند؛ شامل این گروه می شوند. اصطلاح مهاجران فاقد مدرک نیز به این گروه اطلاق می گردد.

۲. حقوق مهاجران در نسل های مختلف حقوق بشری

نسل های سه گانه حقوق بشر برای انسان نقش موثری در همبستگی بین المللی برای حمایت از حقوق مهاجران دارد. برشمردن سه نسل حقوق مدنی- سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نهایتاً حقوق نسل سوم یعنی حقوق همبستگی موجب پیوند بین بانیان و طرفداران هر نسل گردیده است، به نحوی که رعایت هر یک تضمین دیگری را سبب خواهد شد. یکپارچگی سه نسل حقوق مورد تأیید کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ با تأیید ۱۷۱ کشور و دبیرکل سابق سازمان ملل متحد آقای کوفی عنان قرار گرفته است. چون شناسایی حقوق نسل سوم از جمله حق مهاجرت دارای سابقه چندان طولانی نمی باشد.

۱-۲. مهاجرت در نسل اول حقوق بشر

نخستین نسل حقوق بشر در واقع حقوق مدنی و سیاسی هستند که ریشه در ارزش های مکتب لیبرالیسم کلاسیک دارند و قواعد مطروحه در این نسل از جمله حقوقی بودند که برای نخستین بار در نظام حقوق موضوعه به شکل حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته و از جایگاه حقوقی برخوردار شدند. این حقوق منتج از نخستین شعار انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ تحت عنوان آزادی بود. هر چند این اصل در اعلامیه استقلال آمریکایی در سال ۱۷۷۶ و نیز منشور انگلیسی حقوق در سال ۱۶۸۹ مطرح شده بود. در واقع در ادبیات حقوق بشر، انواع آزادی های بشری به حقوق مدنی و سیاسی ترجمه شدند و در عمل مورد شناسایی قرار گرفتند. نسل حقوق مدنی و سیاسی حقوق بنیادی چون حق حیات، آزادی عقیده، آزادی بیان اجتماع، امنیت و ضمانت های قضایی را در بر می گیرد که تمامی مهاجران از این حقوق برخوردار هستند و نمی توان این حقوق را از آن ها سلب کرد (زمانی، ۱۳۹۵: ۱۹).

۲-۲. مهاجرت در نسل دوم حقوق بشر

نسل دوم حقوق بشر، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. پیدایش این حقوق به جنگ جهانی دوم به خصوص نطق مشهور رییس جمهور ایالات متحده آمریکا، فرانکلین روزولت بر می گردد که یکی از آزادی های چهارگانه را آزادی یا رهایی از احتیاج یا نیاز می دانست؛ این آزادی، از اصل دوم انقلاب فرانسه تحت عنوان برابری در زبان انگلیسی می باشد. برخی از حقوق اقتصادی- اجتماعی مانند تأمین اجتماعی، کار، سطح مناسب زندگی و آموزش که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ برشمرده است، در این گروه جای می گیرد. این حقوق پس از جنگ جهانی دوم با اعمال نفوذ کشورهای سوسیالیست در اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانده شده است. در عین حال در جریان بزرگ اقتصادی ۱۹۳۰ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایدئولوژی سوسیال-دمکرات کشورهای غربی به رسمیت شناخته شد. با این وجود، جنگ سرد موجب جدایی حقوق مدنی و سیاسی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردید. قواعد طبقه بندی شده در این نسل از جمله حقوقی هستند که از نظر قانون گذاری و کد گذاری، همزمان با قواعد نسل اول پدید آمدند. اما شناسایی آن به لحاظ فلسفی و نظری پس از حقوق مدنی و سیاسی است.



برخی از این حقوق عبارتند از کار، تأمین اجتماعی، سطح مناسب زندگی، رفاه، حق مشارکت در زندگی فرهنگی و ... که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است (زمانی، ۱۳۹۵: ۲۶).

۲-۳. مهاجرت در نسل سوم حقوق بشر

در دهه های اخیر از نسل سوم حقوق بشر سخن به میان آمده است. حقوقی که در برخی قطعنامه های سازمان ملل متحد، برنامه ریزی اولیه تعدادی از معاهدات و در منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت ها از آن یاد شده است. (حقوق جمعی) واژه ای است که به نسل سوم حقوق بشر اطلاق می شود. از میان حقوقی که در این نسل و در واژه مزبور کارایی دارند، می توان به حق بر توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق صلح اشاره کرد. استفان مارکز، نسل جدید حقوق بشر را شامل محیط زیست، توسعه، صلح، میراث مشترک بشریت، ارتباطات و کمک های بشر دوستانه می داند. مولفه های اصلی حقوق نسل سوم، به معنای برابری و تساوی ابناء بشر یعنی مشارکت همه ارکان جامعه مدنی است که منجر به افزایش سطح رفاه عمومی می گردد. در واقع در نسل سوم حقوق بشر، عناوین مسئولیت تا حدود زیادی تغییر کرده اند. مسئول اولیه در دو نسل اول و دوم در حمایت و تضمین حقوق بشر دولت است؛ اما در نسل سوم هر چند مسئولیت اولیه و اساسی با دولت خواهد بود ولی شاخص مشارکتی انواع حقوق نسل سوم، این مسئولیت را عملاً کم رنگ کرده است (زمانی، ۱۳۹۵: ۳۸).

۲-۴. عملکرد سازمان ها و اسناد بین المللی

در سطح بین المللی در زمینه مهاجرت نهادهای گوناگونی مشغول تولید اطلاعات، تحلیل و خدمات مهاجرتی اند. در حقیقت مهاجرت جهانی شده و با چالش های مثبت و منفی آن رو در رو بوده و تلاش بازیگران بین المللی برای قاعده مند سازی مهاجرت ضروری است. در حقیقت هدف آن ها اعم از اینکه نهاد دولتی یا غیر دولتی باشند، نظم بخشیدن به این پدیده جهانی است؛ که اصل مدیریت مهاجرت بین المللی را تشکیل می دهد. حمایت از مهاجران در چارچوب سازمان های بین المللی مطرح گردیده است (سادات اخوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶). این سازمان ها اعم از اینکه دولتی و یا غیردولتی باشند، می توانند در حقوق بین الملل با توجه به نقشی که جهت حمایت از مهاجرت و مهاجران ایفاء می کنند، بررسی گردند. هر یک از این سازمان ها در سطح منطقه ای و یا جهانی فعالیت می کنند. برخی از این سازمان ها به جنبه های حقوق بشری مهاجرت می پردازند و برخی نیز مهاجران و یا پناهندگان را به طور خاص مورد توجه قرار می دهند. یکی از منابع بین المللی حقوق بشر را می توان اسناد بین المللی دانست که در راستای به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های اساسی تدوین و به تصویب رسیده اند. گاه نیز از آن ها با عنوان اسناد جهانی یاد می شود. به طور کلی هر گونه مصوبه مکتوب رسمی دولت ها (تابعان حقوق بین الملل) که در قالب سند یا مدرکی تنظیم می شود و در آن اهداف و مقاصد دولت ها در ارتباط با اصول یا هنجار های حقوق بشری تأکید می گردد، سند حقوق بشری نام دارد.

اسناد بین المللی حقوق بشری بر مبنای گسترده، شمول و پوشش حمایتی دو دسته اند: اسناد بین المللی عام حقوق بشری، اسنادی اند که گروه های خاصی را در نظر ندارند و به حقوق همه انسان ها صرف نظر از تعلقات عرضی نظر داشته اند، در مقابل، اسناد حقوق بشری خاص اند که گروه های خاصی را مد نظر داشته و حمایت می کنند، از جمله پناهندگان، کارگران مهاجر و سایر موارد. حمایت از مهاجران تحت یک عنوان کلی و پناهندگان به طور خاص نیز از جوانب گوناگون در چنین اسنادی مد نظر بوده است (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۹). در همین راستا نیز نهاد های بین المللی و به ویژه سازمان ملل متحد، اسناد متعددی را تصویب نموده اند که مستقیم و یا غیر مستقیم مربوط به غیر شهروندان از جمله مهاجران و پناهندگان می باشند. دولت ها به صورت های گوناگون خود را نسبت به این معاهدات متعهد نموده اند. از آنجایی که مهاجران بیش از هر چیز دیگری، بشر می باشند، تمام معاهدات حقوق بشری دربردارنده حقوقی هستند که نسبت به مهاجران نیز اعمال می شوند. خواه مهاجران اختیاری و یا اجباری باشند، خواه قانونی و یا غیر قانونی. در حقیقت مهاجرت مفهومی است که در جهان امروز با رعایت حقوق اساسی بشر، بهتر تضمین و عمل می گردد.



۵-۲. اسناد بین المللی حامی حقوق مهاجران

اسناد حقوقی بین المللی در اشکال مختلف و دارای آثار متفاوتی می باشند. از جمله توافقنامه، کنوانسیون، پروتکل و مانند آن ها. هر یک از این اسناد طرفین عضو را ملزم می نماید تا خود را به مفاد توافق پایبند بدانند. زمانی که مذاکرات به پایان می رسد، متن آن توسط نمایندگان کشورها به امضاء می رسد. یک دولت به شیوه های مختلف می تواند ملزم به آن سند گردد. به بسیاری از اسناد بین المللی می توان اشاره کرد که در خصوص حقوق بشر و برخورداری از آن برای انسان ها می باشد. اگر چه برخی اسناد در قالب اعلامیه و یا قطعنامه غیرالزام آورند، اما در زمینه ها و موضوعات مختلف حقوق بشری مورد استناد قرار می گیرند و این از بابت نقشی است که دولت ها در سطح جهانی دارند و در نتیجه خود را به مفاد این اسناد پایبند بدانند (سادات اخوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲۶). حقوق بین الملل بشر مجموعه ای از قواعد بین المللی است که به طور عمده بر اساس معاهدات و یا عرف های بین المللی ایجاد گردیده اند. اشخاص و گروه هایی می توانند بر اساس این قواعد حقوق و منافع معین را در مقابل دولت ها ادعا می نمایند. این مجموعه از حقوق در اسنادی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهدات بین المللی حقوق بشری درج شده اند که با یکدیگر استانداردهای بین المللی احترام و ترویج حقوق بشر را ارائه می نمایند. در همین راستا نیز مهاجران در حقوق بین الملل مورد حمایت واقع می شوند. اسناد کلیدی حقوق بشری دولت های عضو را ملزم نموده اند تا حمایت از تمام انسان ها را به طور کلی گسترش دهند و در چند سال گذشته نیز سیستم حقوق بشری سازمان ملل متحد توجه خود را به حقوق بشر مهاجران به طور خاص افزایش داده است.

۳. چالش های حقوق بشری مهاجرت

مهاجرت به عنوان یک حق بشری برای تمام افراد شناخته می شود. افراد باید بتوانند آزادانه به کشور خود یا دیگر کشورها رفت و آمد داشته باشند. این حق در اعلامیه حقوق بشر نیز به عنوان یک حق بشری شناخته شده است. این حق باید توسط دولت ها و با همکاری آنان برای افراد فراهم شود. امروزه حمایت از مهاجران و رعایت حقوق بشر یک موضوع بسیار مهم در حقوق بین الملل به شمار می رود که این موضوع در قوانین بین المللی و دستور کار سازمان های مرتبط با مهاجرت و مهاجران قرار دارد. در زمینه مهاجرت و حقوق مهاجران، برخورد دولت ها با این موضوعات با توجه به قوانین داخلی متفاوت است. بسیاری از دولت ها قوانین داخلی را مقدم بر قوانین بین المللی دانسته و در ارتباط با مهاجران قوانین داخلی خود را اعمال می کنند (ابراهیم گل و کریمی، ۱۳۹۴: ۱۷) که در اکثر موارد متناقض با قوانین بین المللی بوده و موجب تضییع حقوق مهاجران می گردد. این نقض حقوق مهاجران یکی از چالش های حقوق بشری پدیده مهاجرت به شمار می رود که وجود کمی و کاستی های قوانین بین المللی در موضوعات مهاجرت و مهاجرین و همچنین نحوه اجرای آن و نظارت بر اجرای آن باعث کم رنگ شدن حمایت ها از مهاجران و پناهندگان می گردد. البته جامعه بین المللی می تواند با ایجاد یک نهاد خاص بین المللی نظارت دقیقی بر اعمال دولت ها در این زمینه ها داشته باشد. چالش های حقوق بشری پدیده مهاجرت، عواملی هستند که باعث می شوند مهاجران، پناهندگان و آوارگان در مسیر مهاجرت خود مشکلات بسیاری را تحمل و با آن ها دست و پنجه نرم کنند. هدف اصلی این موضوع شناسایی این چالش ها و برای حمایت از مهاجران، پناهندگان و آوارگان که آسیب پذیر ترین قشرها در سطح بین المللی هستند، حقوق اولیه آن ها توسط دولت ها رعایت شود و راهکارهای بین المللی مفید ارائه شود (اسدپور تهرانی، ۱۳۸۳: ۱۸). این موضوع این نتیجه را در پی دارد که کشورهای جهان بر اساس منافع خود اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... قوانین داخلی خود را در حمایت از مهاجران وضع می کنند و چون قوانین بین المللی حامی حقوق مهاجران، الزام آور نیستند و ضمانت اجرای مشخصی وجود ندارد، حقوق بشر مهاجران در معرض تضییع قرار می گیرد.

چالش های اصلی حقوق بشری در موضوع مهاجرت، موضوعات مربوط به مهاجران غیر قانونی، پناهندگان، آوارگان و موضوع قاچاق انسان و قوانین مرتبط با این موضوعات و نواقص قانونی موجود در این زمینه ها می باشد. در سال های اخیر قاچاق انسان



و مهاجران، آواره شدن افراد بسیار زیادی در اثر جنگ ها و منازعات داخلی و بین المللی افزایش چشمگیر داشته است. در موضوعات قاچاق انسان و مهاجران، رشد این موضوع در مقیاس کوچکی در مرزهای تعداد اندکی از دولت ها انجام میگرفت که این فعالیت با سودی چندین میلیارد دلاری، تأثیری جهانی از خود برجا گذاشته است. آمار و اطلاعات بسیار محدودی در خصوص قاچاق انسان و مهاجران، تعداد افرادی که قاچاق می شوند، شرایطی که در طول سفر به این افراد تحمیل می شود و نحوه رفتار با آنها در هنگام ورود به مقصد در دست است. (دیویس، ۲۰۱۶: ۶۵). پناهندگی و حقوق مربوط به پناهندگان، یکی دیگر از موضوعات جدید حقوق بین الملل است. از این رو حقوق پناهندگان در کنار سایر بحث های حقوقی از جمله حقوق بشر در حقوق بین الملل مطرح گردیده و عهدنامه های بین المللی نیز در ارتباط با این موضوع تصویب شده است. با توجه به موضوعات مطرح شده در بالا، باید دید که چه راه حل هایی می توان برای رفع مشکلات مطرح شده در زمینه مهاجرت ارائه داد، گرچه ارائه راه حل به تنهایی نتیجه ای را دربر ندارد و باید یک عزم جهانی برای رفع مشکلات در این حوزه وجود داشته باشد. در موضوعات مهاجرت غیرقانونی و قاچاق انسان، بسیاری از کشورها به علت سود فراوانی که از قاچاق انسان نصیبشان می شود در این زمینه سختگیری زیادی از خود نشان نمی دهند و کشورهای دیگری نیز با بی تفاوتی نسبت به این موضوع می نگرند (اسلامی و میریان، ۱۳۹۴: ۳۲). وجود یک سازمان جهانی با مسئولیت مشخص و همچنین وجود قوانین با ضمانت اجرای قوی در زمینه مهاجرت می تواند به حل معضلات پیش روی این پدیده کمک کند تا شاهد این باشیم که افراد در قایق ها و کانتینرها جان خود را از دست ندهند و برای مهاجرت به کشوری دیگر مشکلات زیادی را تحمل نکند و قوانین حقوق بشری در زمینه مهاجرت به خوبی در همه کشورها اجرا شود.

چالش های پدیده مهاجرت به دو دسته اصلی چالش های حقوق بشری و غیر حقوق بشری تقسیم می شوند. از مهم ترین چالش های حقوق بشری مهاجرت می توان به مواردی مانند حق بر سلامت، حق بر امنیت، حق بر بهداشت، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق انسان و پناهندگی اشاره نمود.

۱-۳. حق بر سلامت

حق بر سلامتی یکی از حقوق بشری است که برای استیفای سایر حقوق بشری نیز ضروری قلمداد می شود. در مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی حق هر انسان برای دسترسی به بالاترین سطح ممکن سلامتی به رسمیت شناخته شده است. این حق در جامع ترین مفهوم خود در ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته، بر اساس بند ۲ این ماده تدابیری که کشورهای عضو میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد، شامل اقدام های لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

۱. تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان.
 ۲. بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.
 ۳. پیشگیری و معالجه بیماری های مسری، بومی، حرفه ای و سایر بیماری ها، همچنین پیکار علیه این بیماری ها.
 ۴. ایجاد شرایط مناسب برای تأمین خدمات و کمک های پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری.
- حق بر سلامتی در پیوندی ناگسستنی با حق حیات (نسل اول حقوق بشر) قرار دارد و از سوی دیگر با حق بهداشت و تأمین اجتماعی گره خورده است. علاوه بر این حق بر محیط زیست سالم که در نسل سوم حقوق بشر قرار دارد نیز از سرچشمه حق بر سلامتی سیراب می شود. به این ترتیب حق بر سلامتی را می توان حلقه ارتباط نسل های مختلف حقوق بشر قلمداد نمود (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰).^۱ چالش های قرن حاضر در مورد تهدید کننده های سلامت از جمله مهاجرت های غیرقانونی، اهمیت

نونه های دیگری از اشاره به حق بر سلامتی در اسناد بین المللی^۱
- ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

- ماده ۵ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی



پرداختن به حق بر سلامت را در شرایط بحرانی ناشی از فراگیری ویروس کرونا دوچندان می کند. سیاست ها و اقدامات مهار بحران فراگیری بیماری کووید-۱۹ باید با در نظر گرفتن شرایط افراد آسیب پذیر بالاخص زنان مهاجر و نیازهای آن ها باشد. درک پیچدگی های جنسیت و مهاجرت می تواند در برنامه ها و سیاست هایی که موجب افزایش مزایا و کاهش هزینه های سلامتی و بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی برای زنان مهاجر که نیمی از جمعیت مهاجر جهانی را تشکیل می دهند، کاربرد داشته باشد. پاسخ درمقابل بحران باید متناسب با مقتضیات حقوق بشر و کاهش تأثیر بحران بر زندگی افراد آسیب پذیر بوده واز ایجاد یا تشدید مشکلات موجود خودداری کند. اقدامات در برابر بحران ایجاد شده می تواند منجر به افزایش ناسیونالیسم، پوپولیسم، اقتدارگرایی، بی ثباتی و ترس ها، تبعیض نسبت به برخی گروه ها، بیگانه ستیزی، بازگشت اجباری پناهندگان، بدرفتاری با مهاجران، خشونت جنسی و جنسیتی و همچنین دسترسی محدود به حق بر سلامت و حقوق بشر شود(سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰).

کشورها اقداماتی برای بهبود منافع مهاجران و کاهش آسیب پذیری و خطرات متوجه آن ها انجام داده اند، اما هنوز زنان مهاجر با خطرات زیادی مواجه هستند. نقش سیستم های بهداشت عمومی در رفع نیازهای مراقبت های بهداشتی مخصوصا برای جمعیت آسیب پذیر و رفع نیازهای مهاجران، پناهندگان، آوارگان داخلی و افراد بومی برجسته شده است. چالش های پیش روی مهاجران در زمینه همه گیر شدن کرونا را می توان به چند گروه تقسیم کرد: چالش های اقتصادی ناشی از تعطیلی بنگاه های تولیدی و از دست رفتن بخش بزرگی از درآمد مهاجران شاغل در شرایطی که افت شدید درآمد کارفرمایان وجود دارد، کارگران خارجی بدون هیچگونه پرداخت هزینه اخراج می شوند. کووید-۱۹ یک تهدید جهانی است که نیاز به یک پاسخ جهانی از همه کشورها دارد. از تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۱۹، بیش از ۱۸۰ کشور، از جمله محدودیت هایی برای ورود اتباع سایر کشورها ایجاد کرده اند. وضعیت مهاجران در اردوگاه های بسیاری از کشورها که میزبان تعداد زیادی از آوارگان مانند اردن، لبنان، سوریه یا بنگلادش هستند؛ خطرناک است. علاوه بر این، مهاجران غیرقانونی که بازداشت شده اند، بیشتر در معرض خطر آلودگی قرار دارند. تعطیلی برخی از خدمات دولتی کشورها بر روند کمک های ارائه شده به مهاجران و پناهجویان تأثیر گذاشته و آن را کند می کند. وضعیت اقتصادی مهاجران ممکن است بر توانایی آنها در انجام کلیه اقدامات احتیاطی علیه ویروس کرونا تأثیر منفی بگذارد. با بحران همه گیری کرونا در کنار میلیون ها ایتالیایی، آینده ده ها هزار مهاجر و پناهجو در ایتالیا نیز نامعلوم است. برای پناهندگان و هم برای مهاجران، چالش های اساسی که شامل دسترسی به مراقبت های بهداشتی، آب، انرژی و سایر نیازهای اساسی در پی گسترش بیماری کووید-۱۹ است به دلیل سیاست های محدودیتی برای تأمین امنیت وجود دارد. پناهندگان و مهاجران به طور بالقوه در معرض خطر ابتلا به بیماری کووید-۱۹ قرار دارند؛ چون به طور معمول در شرایط پر ازدحام و کمبود دارو و عدم دسترسی به حضور کافی پرسنل پزشکی و امکانات اولیه بهداشت، خدمات درمانی، کاهش خدمات اداری در شرایط قرنطینه، مسائل فرهنگی و زبانی هستند(سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۰).

شرایط موجود در اردوگاه های پناهندگان نگران کننده است. برخی از بزرگترین جمعیت پناهندگان و آوارگان جهان، پناهندگان روهینگیا در بنگلادش، پناهجویان افغان در پاکستان، ایران و میلیون ها آواره داخلی در داخل افغانستان در اردوگاه های پر ازدحام و شهرک های غیررسمی به سر می برند. بیش از ۲,۵ میلیون مردم افغانستان آواره اند. در اتیوپی، که میزبان بیش از ۹۰۰۰۰۰ پناهنده و بیش از ۲,۶ میلیون آواره است، این افراد با خشونت روبرو شدند. در خاورمیانه حداقل ۱۲ میلیون آواره در عراق، سوریه، لبنان و ترکیه هستند. پناهندگان در کشورهای همسایه و آوارگان داخلی سوریه فاقد اساسی ترین نیازها، از جمله دسترسی به مراقبت های بهداشتی در اردوگاه های غیر بهداشتی و سکونت گاه های غیر رسمی هستند. در عمل، بسیاری از

- مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون اعحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

- ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک



پناهجویان در صورت غیرقانونی بودن مهاجرت یا به دلیل تبعیض برای مراجعه به بیمارستان با موانع روبرو هستند. تعطیلی کل سیستم پناهندگی یونان، همه پناهجویان را در وضعیت نامناسبی قرار داده است. بیش از ۴۰/۰۰۰ پناهجو هستند که در جزایر اژه به دام افتاده اند. اردوگاه ها فاقد امکانات بهداشتی اولیه، تجهیزات بهداشتی کافی و مراقبت های پزشکی و آب هستند. سازمان های غیردولتی در جزایر گزارش می دهند که هیچ اقدامی اساسی برای آماده سازی اردوگاه ها جهت مقابله با ویروس کرونا انجام نشده است (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰). کاهش خدمات مراقبت و محافظت از زنان و کودکان به دلیل تعطیلی ناگهانی مؤسسات مراقبت و خدمات بهداشتی و درمانی، آسیب پذیری زنان و کودکان را در برابر خشونت، استثمار و سوء استفاده افزایش داده است. در ایام قرنطینه، زنان بدون دسترسی به خدمات و پناهگاه های امن، بیشتر در معرض خطر خشونت خانگی قرار دارند. این بحران علاوه بر مشکلات بهداشتی باعث ایجاد بحران اقتصادی و اجتماعی نیز شده که نه از خود بیماری بلکه از اقدامات لازم برای مبارزه باب حران ناشی می شود. اکثراً زنان با درآمد کار پاره وقت و شرایط نامناسب کار، در معرض سوءاستفاده، خشونت مبتنی بر جنسیت و تبعیض جنسیتی قرار دارند. اقدامات هدفمند برای پرداختن به تأثیر گسترش ویروس بر گروه های خاص، از جمله مهاجران، آوارگان و پناهندگان، معلولین، زنان، کودکان، سالمندان و افراد در بازداشت، مشارکت همه بخش های جامعه، شهروندان و زنان در فرآیندهای تصمیم گیری در مواجهه با بحران را نیاز دارد. شیوع بیماری اغلب تأثیرات جنسیتی داشته و نابرابری جنسیتی را می تواند تقویت نماید (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰). کمبود منابع بهداشتی و اختلال در زنجیره های عرضه خدمات بهداشتی می تواند دسترسی زنان را به مراقبتهای ویژه مختل نماید. افزایش استرس، شرایط زندگی سخت و کمبود مکانیسم های پشتیبانی جامعه در بحران ها اغلب می تواند توانایی زنان برای مقابله با سوءاستفاده را محدود کند. زنان در سطح جهانی تقریباً ۲،۵ برابر مردان به کارهای مراقبتی و مشاغل خانگی بدون مزد مشغولند و حفظ شغل با حقوق در مواجهه با بحران فراگیری کووید-۱۹ برای آن ها دشوارتر می گردد. حداکثر ۹۵ درصد زنان کارگر مهاجر در بخش های غیررسمی مشغول به کار هستند که اگر بحران کووید-۱۹ درآمد آنها را از بین ببرد هیچ امنیت شغلی ندارد. زنان شاغل در صنایع خدماتی بر اثر قرنطینه، فاصله اجتماعی و رکود اقتصادی آسیب می بینند. ترس از آلودگی ویروس باعث می شود زنان برای محافظت از سلامت آنها و خانواده هایشان با فشار مضاعف روبرو شوند. همچنین زنان ممکن است برای محافظت از سلامت خود با موانعی روبرو شوند؛ از جمله دختران و زنان در برخی کشورها تا ۳۱ درصد کمتر از مردان به اینترنت دسترسی داشته و حتی در شرایطی که به اینترنت دسترسی دارند، ممکن است به دلایلی از جمله هزینه، نابرابری جنسیتی و فشارهای خانوادگی کمتر قادر به استفاده از آن باشند. گزارش های مربوط به افزایش سطح تبعیض در برابر مهاجران و در برخی موارد عدم امنیت غذایی، اخراج، بدتر شدن شرایط کار از جمله کاهش یا عدم پرداخت دستمزدها، شرایط زندگی ناکافی، افزایش محدودیت درجابجایی یا بازگشت اجباری باعث شده است گروه های حقوق بشری از افزایش سطح خشونت، به ویژه برای مشاغل خانگی که زنان مهاجر در آن فعالیت می کنند نگران باشند. کارگران مهاجر غالباً به عنوان موضوع سیاست ملی کشورها برای مهار کووید-۱۹ مانند یارانه دستمزد و بیکاری، مزایای تأمین اجتماعی قرار نمی گیرند (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰).

سیاست مبتنی بر نظارت، داده های تفکیک شده جنسی و ارزیابی تأثیر حمایت مالی و اقتصادی می تواند مؤثر باشد. به عنوان مثال، برزیل برنامه ای برای بیکاران برای مواجهه با بحران فراگیری کرونا در نظر گرفته که در آن مهاجران، پناهندگان و همچنین کارگران غیر رسمی نیز می توانند از مزایای برنامه های حمایتی بهره مند شوند. شیلی خانواده های آسیب پذیر مهاجران را به عنوان جامعه هدف در برنامه های خود قرار می دهد. طرح یارانه دستمزد در دسترس مهاجران، در تونس انجام شد. در کالیفرنیا، صندوق جدیدی که امکان این را دارد، ۱۲۵ میلیون دلار برای تأمین پشتیبانی درآمدی کارگران مهاجر صرف نظر از وضعیت آنها کمک کند تاسیس شد. دسترسی رایگان به آزمایش و غربالگری صرف نظر از وضعیت آن ها اقدامی دیگر است. اقدامات ویژه برای تسهیلات تمدید ویزا، عفو، تمدید کار یا مجوز اقامت می توانند به تضمین دسترسی به خدمات ضروری برای کارگران مهاجر کمک نمایند. برخی از کشورها ویزاهای کاری مهاجران را تمدید کردند. دولت ها باید در سیاست گذاری برای کاهش اثرات منفی



اقدامات ناشی از مهار بحران به جای تشدید نابرابری های جنسیتی برای کاهش آسیب ها توجه داشته و برای کمک به زنان قربانی خشونت، مباحث جنسیت در پاسخ دولت ها به بحران گنجانده شود (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰). در بحران فراگیری کووید-۱۹، این نگرانی وجود دارد که شکافهای جنسیتی، اشتغال زنان را در معرض آسیب پذیری بیشتر از مردان قرار می دهد که در «حوزه های غیر رسمی» کار می کنند و عموماً فاقد حمایت اجتماعی یا حقوقی هستند. پیاده سازی و ارزیابی جنسیتی مهاجرت با محدودیت هایی روبرو است از جمله این موانع، محدودیت در منابع، افکار عمومی منفی در رابطه با مهاجرت، حرکت و جابجایی سریع انسانی و ظرفیت های نهادی ضعیف در مسیر اصلی جریان برابری و شکاف بین سیاست و عمل و شکاف در شواهد و داده ها است. جدایی از خانواده، عدم دسترسی به بهداشت، مراقبت و آموزش، استثمار به عنوان نیروی کار نیاز به مطالعه و اصلاحات قوانین و سیاست های موجود دارد. سیاست های مهم جنسیتی در عمل و برای اجرایی شدن به تعدادی از عوامل بستگی دارد؛ این عوامل عبارتند از: سیستم های بهبود یافته برای شناسایی گروه های پرخطر، ظرفیت سازی برای واسطه ها، میانجی گرها، بهبود در دسترس بودن و استفاده از تفکیک داده ها، ارائه خدمات و تقویت حمایت از بخش خاص و گروه های آسیب پذیر (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰). اما در عمل چالش هایی برای اجرای این سیاست ها وجود دارد از جمله این چالش ها عبارتند از: طولانی شدن حضور پناهندگانی که در اردوگاه ها برای چندین سال زندگی می کنند. در حالی که نقطه تمرکز صریح بر خشونت علیه زنان است در عمل دیگر شکل های خشونت جنسیتی که شامل دختران، پسران و مردان است؛ محدود مانده است. به طور قابل توجهی رویکرد مشارکتی در کشورها با توجه به محدودیت های مالی و زمانی و کارکنان فاقد آموزش تحت تاثیر منفی قرار گرفته است. ناسازگاری و عدم هماهنگی بین بازیگران دولتی و حقوق بشری، ناکافی بودن سیستم های جامع برای شناسایی گروه های در معرض خطر، داده های کیفی محدود در مورد گروه های آسیب پذیر از جمله چالش ها است. برای رسیدگی به این چالش ها توصیه هایی صورت گرفته از جمله این که: ایجاد فرصت های معیشتی برای توانمندسازی پناهندگان، توسعه سیاست خاص برای نیازهای گروه های مختلف، داشتن متصدی یا مامور ناظر، آموزش منظم و اجباری برای کارکنان کمیساریای عالی پناهندگان، استراتژی بهبود و مدیریت دانش و به اشتراک گذاری اطلاعات، تعمیق مشارکت و همکاری با سازمان های غیر دولتی و جامعه مدنی، انتصاب مشاور جنسیتی برای ارائه پشتیبانی تخصصی، ایجاد شبکه منطقه ای از سازمان های غیردولتی از جمله سازمان های زنان برای حمایت های مشترک از کشورهای مبدا، ترانزیت و مقصد، تقویت ظرفیت ملی برای پاسخ به نیازهای خاص زنان و دختران آسیب پذیر توسط افزایش تعداد کارکنان با زمینه تخصصی جنسیت، سلامت زنان و مباحث خشونت، ایجاد ظرفیت برای ارائه دهندگان خدمات محلی و مددکاران اجتماعی در مسائل مربوط به خشونت، حقوق زنان، حساسیت فرهنگی، عدم تبعیض، کمک و مشاوره روانی و پیشگیری از سوءاستفاده جنسی، دسترسی به پناهگاه امن با تفکیک مناطق بر اساس جنسیت و خانواده (سازمان جهانی مهاجرت، ۲۰۲۰). برای بررسی روند تاثیر جنسیت بر الگوهای مهاجرت نیاز به داده های تفکیکی قابل اعتماد وجود دارد. تفکیک داده ها بر روی کمک های بشردوستانه اثر می گذارد تا از طریق آن اطمینان حاصل شود که کدام گروه ها از این کمک ها بهره مند شدند. داده های جمع آوری شده به تفکیک سن و جنس سهم قابل توجهی در برنامه ریزی و سیاست مهاجرت خواهد داشت. برای مثال این تجزیه و تحلیل ارائه داده ها در سال ۲۰۱۳ در سیاست های مهاجرتی ۲۰۰ کشور جهان نشان می دهد هر کشور در سیاست های مهاجرتی خود بیشتر به کارگران ماهر، الحاق به خانواده و یکپارچه سازی غیر تبعه و تشویق بازگشت شهروندان و جذب سرمایه های خارج از کشور می پردازد. اما این گزارش ها شامل اطلاعات در مورد درصد زنان در میان مهاجران بین المللی و تجزیه و تحلیل سیاست های ملی از منظر جنسیت نمی شود (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰).

برای رسیدن به دستاورد مطلوب در سیاست های مهاجرتی باید نتایج این سیاست ها به طور منظم بر میزان آسیب پذیری زنان و دختران مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج عملکرد خوب برخی از کشورها و سازمان ها در اختیار بقیه کشورها به عنوان الگوی



سیاست های مهاجرتی قرار گیرد. در اغلب مواقع آمارهای مهاجرت در برنامه ریزی های سیاسی، بهداشتی و سلامتی اهمیت می یابند. تحقیقاتی که درباره مهاجرت انجام می گیرد اغلب بر اساس مسائل اقتصادی و مالی، هزینه و فایده تجزیه و تحلیل می شود در حالی که در این تجزیه و تحلیل ابعاد جنستی مهاجرت، رابطه آن با حق بر سلامت دارای اهمیت است. تحلیل جنسیتی نشان می دهد که چگونه جنسیت می تواند دسترسی به منابع و تفاوت در قدرت و برابری را در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و حقوقی، بهداشتی و سلامتی تحت تاثیر قرار دهد. بی تفاوتی نسبت به زنانه شدن مهاجرت منجر به عدم وجود سیاست های مربوط و آگاهی عمومی در کشورهای مبدا و میزبان شده و محافظت از حقوق، ایمنی و بهداشت روانی، جسمی زنان مهاجر را در شرایط بحرانی سخت و دشوار می نماید. بنابراین ما نیازمند تغییر و تحول در قوانین و سیاست ها برای بهبود شرایط زنان مهاجر در کشورهای مقصد و مبدا و قوانین بین المللی از جمله تنظیم و بهبود شرایط کار برای همه کارگران مهاجر زن، نظارت بر اجرای سیاست ها و چارچوب های قانونی کار برای زنان و بهبود آن ها، از بین بردن زمینه های سوء استفاده و اشتغال غیرقانونی و کاهش شیوه های تبعیض آمیز کار برای زنان و در نهایت توسعه سیاست الحاق به خانواده و پذیرش و توانمند سازی پس از بازگشت به کشور هستیم (سازمان جهانی مهاجرت، ۲۰۲۰). علیرغم وجود استانداردهای جامع در میثاق بین المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سایر کنوانسیون های بین المللی در خصوص حق سلامت، باز زنان مهاجر با طیف گسترده ای از چالش های بالقوه بهداشتی در چرخه مهاجرت روبرو هستند. لذا در این راستا هدایت سیاست ها و برنامه ها از طریق سازمان بین المللی کار و سازمان بین المللی مهاجرت، یونیسف، کمیساریای عالی حقوق بشر و پناهندگان، سازمان بهداشت جهانی و سازمان های غیردولتی در راستای اهمیت به حساسیت های جنسیتی مهاجرت می تواند کارساز باشد. تسهیل مهاجرت امن و مسؤلانه از طریق کمپین های اطلاع رسانی و ایجاد سیاست های مهاجرتی حساس به جنسیت و مدیریت و ارزیابی آن ها و از بین بردن برخی موانع حقوقی، اجتماعی و کمک به اجرایی شدن این سیاست ها از وظایف دولت های مبدا و مقصد و جامعه مدنی و جامعه بین المللی بوده و نیاز است تا شکاف بین سیاست و عمل پر شود. پیمان جهانی مهاجرت نیز بر توانمندسازی زنان مهاجر از طریق رفع موانع تبعیض آمیز و تسهیل دسترسی به تمامی خدمات و تضمین مشارکت کامل آن ها در این راستا تأکید می کند. در واقع شرایط اقتصادی و منابع در دسترس کشورهای میزبان دارای اهمیت است چون ممکن است پاسخگوی تامین نیاز مهاجران نباشد. لذا در این زمینه نقش و اهمیت سازمانهای بین المللی، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد و صندوق کودکان ملل متحد و دیگر نهادهای حقوق بشری در جهت کمک و همکاری با این کشورها دارای اهمیت است (سازمان ملل، ۲۰۲۰). مقامات باید برای کاهش تأثیرات جنسیتی قدم بردارند و اطمینان حاصل کنند که پاسخها نابرابری جنسیتی را افزایش نمی دهد. اقدامات طراحی شده برای کمک به کارگران آسیب دیده از بیماری همه گیر باید از کارگران در کار غیر رسمی و صنایع خدماتی، که عمدتاً زنان هستند حمایت کند. دولت ها و نهادهای بین المللی باید از نزدیک تأثیر کووید-۱۹ را بر زنان باردار رصد کنند و برای کاهش آن اقدامات موثر انجام دهند؛ از جمله تأثیر بیماری همه گیر در حق زنان و دختران برای دسترسی به خدمات بهداشت جنسی و باروری و حریم خصوصی افراد مبتلا به ویروس را مدنظر قرار دهند. دولت ها باید اطمینان حاصل کنند که کلیه خدمات درمانی مرتبط با کووید-۱۹ بدون تبعیض ارائه می شود. پیشگیری از خشونت مبتنی بر جنسیت با ایجاد مکان هایی با حداقل استانداردهای پذیرش و پیش بینی مکانیزمهای مؤثر مانند افزایش امنیت و شناسایی زود هنگام قربانیان خشونت جنسی و ارجاع به کمکهای فوری و اطمینان از کیفیت و پوشش کافی ارائه خدمات، از جمله حمایت حقوقی، پزشکی، روانشناختی و... ضروری است (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰). به طور خلاصه، تدوین سیاست های مهاجرتی جنسیت محور به منظور رسیدگی به نیازهای خاص و آسیب پذیری های زنان مهاجر و دختران که ممکن است شامل کمک، مراقبت های بهداشتی، خدمات مشاوره روانشناختی و ... و همچنین دسترسی به عدالت به ویژه در مورد خشونت، سوء استفاده و استثمار جنسی و جنسیتی باشد، نیاز است. بنابراین تخصیص منابع کافی توسط دولت های ملی، حمایت بیشتر از بخش خصوصی و افزایش قابل



توجه کمک های بین المللی و تخصیص بودجه توسط سازمان های بین المللی برای تمامی فعالیتهای توانمندسازی لازم است (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰)

۲-۳. حق بر امنیت

امنیت تنها نیاز بشر است که هیچ ارتباطی به حضور او در اجتماع ندارد. انسان تنهایی را در یک جزیره دورافتاده تصور کنید. او هیچ معنایی برای آزادی قایل نیست. آزادی بیان، آزادی در انتخاب، آزادی رفت و آمد، آزادی در انتخاب شغل و سایر اشکال آزادی، برابری، کرامت، مالکیت و ... حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستند و در چنان شرایطی برای وی مفهومی ندارند. اما او به شدت نیاز به امنیت دارد. از این رو امنیت اولین، طبیعی تری، غریزی ترین و فردی ترین نیازی است که وی به دنبال آن است. امنیت در لغت به معنی ایمنی، آرامش و آسودگی است. در اصطلاح عبارت از اطمینان خاطر است که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند. فرهنگ علوم سیاسی در تعریف امنیت آورده است:

مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی های مشروع. وجود اطمینان به سلامت تن، جان، مال و ناموس (شاه، ۱۳۹۳: ۹۶).

بنابراین منظور از امنیت فردی به معنی اخص کلمه این است که فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر اعمال غیر قانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت انسانی اوست مانند اسارت، تملک و بهره‌کشی، بردگی، فحشا و ... مصون و در امان باشد و آن پایه و اساس تمام آزادی هاست که با فقدان آن سایر آزادی های فردی معنی و مفهوم خود را از دست می دهد (عسکری زاده، ۱۳۹۶: ۳۶). بدین سبب هابز به لحاظ نظری، حقوق طبیعی را قبول دارد اما از دیدگاه او مهم‌ترین و بلکه تنها اصل حقوق طبیعی، حق صیانت نفس^۱ است. هر کس حق دارد که قدرت خویش را برای حفظ جان خود به کار گیرد و از هر وسیله در این راه استفاده کند. حق وصول به هدف متضمن حق استفاده از وسیله نیز هست. در چنین حالتی انسان‌ها بر همه چیز حق دارند حتی بر جان دیگران. هیچ چیز خطا و ناعادلانه نیست، زیرا هنوز مفهوم خطا و عدالت وجود ندارد. این درک تجربی بشر است که چنانچه مجبور شود از میان امنیت و آزادی یکی را انتخاب کند، آزادی را فدای امنیت می‌کند تا جان خود را از خطر و مهلکه نجات بخشد و همین ترجیح امروزه مبنایی برای حکومت هاست تا با بزرگنمایی های رسانه ای به نام امنیت، اختیارات خود را افزایش دهند. زیرا می‌دانند که امنیت، انتظار نخست انسان‌ها از حکومت هاست و شهروندان تنها برای امنیت، حاضرند سایر حقوق خود را فدا کنند (عسکری زاده، ۱۳۹۶: ۳۶). اولویت امنیت بر سایر حقوق از راه دیگری نیز قابل اثبات است و آن اینکه هر فرد هر نوع حقوقی با هر نوع کیفیتی داشته باشد و این حق را از هر طریقی به دست آورده باشد نیاز دارد که آن را از تعدیات سایر شهروندان و نیز حاکمیت مصون دارد که همانا از این نیاز به امنیت تعبیر می‌شود. مشخص است که با پیچیده شدن و گستردگی روابط در جوامع امروز، حفظ یک حق غالباً از به دست آوردن آن دشوارتر است. به این ترتیب، امنیت برای افراد و دولت ایجاد تکلیف می‌کند. بدین معنی که افراد مکلفند حقوق مادی و معنوی یکدیگر را مورد احترام قرار دهند و رعایت کنند. دولت نیز مکلف است با وضع قانون و تأسیس تشکیلات اداری و قضایی برای مردم ایجاد امنیت کند تا با اطمینان خاطر به زندگی خود ادامه دهند و نیز در متابعت از قانون، حقوق و آزادی های فردی را محترم شمارد (عسکری زاده، ۱۳۹۶: ۳۸).

۳-۳. حق بر بهداشت

امروزه یکی از مصادیق بارز حقوق بشر، حق بر سلامت و بهداشت عمومی است که وجود و استقرار آن، لازمه زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. از این رو تفکیک، میان مفهوم سلامت که به بار پایین بیماری های جسمانی و روانی در جوامع انسانی اطلاق می‌شود و بهداشت عمومی که دربردارنده تعهدات دولت‌ها در حوزه درمانی و بهداشتی برای آحاد جوامع بشری است، اهمیت ویژه ای دارد. در میان اسناد بین المللی که به بررسی چنین حقی پرداخته است، سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ یونسکو اهمیت ویژه ای دارد؛ چرا که تحولی اساسی در رویکرد دولت‌ها نسبت به این موضوع به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر ایجاد نموده

^۱ Self Preservation



است (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۹). تأمین سلامت و حق برخورداری از بهداشت عمومی از حقوق مسلم بشری محسوب می شود به نحوی که از شاخصه های اصلی یک جامعه ایده آل، داشتن وضعیت سلامت و بهداشت مطلوب می باشد. این حق که در قلمرو حقوق بین الملل به خوبی تثبیت شده است، برای اجرای سایر تعهدات حقوق بشری از جمله حق بر حیات، آب آشامیدنی، مسکن و حق بر محیط زیست سالم، لازم و ضروری قلمداد می شود. سلامتی افراد از سوی دولت های متبوع، در بردارنده برخورداری از یک استاندارد مناسب زندگی و بهره مندی از یک سیستم درمانی اولیه که به طور کلی دستیابی به مفاهیم اصلی حق بر سلامتی افراد است، اطلاق می گردد. این در حالی است که حق بر بهداشت عمومی از شاخصه های اصلی یک جامعه انسانی مطلوب محسوب می گردد که برخورداری از آن سبب مصون ماندن از انواع بیماری های فراگیر^۲، بومی-محلی^۳ و دستیابی به مراقبت های بهداشتی مناسب بهداشتی برای بشریت است تا از این طریق انسان ها بتوانند از ظرفیت های پوشش بیمه ای دولت ها برخوردار شوند کمیسیون سابق حقوق بشر ملل متحد نیز اشاره داشته که دستیابی به مراقبت های بهداشتی مناسب در مورد بیماری های فراگیر عنصری حیاتی برای تحقق تدریجی و کامل حق بر برخورداری از عالی ترین سطح قابل حصول سلامت به شمار می رود (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۰).

بر اساس منشور ملل متحد، دولت ها در راستای فراهم کردن رفاه اجتماعی از طریق تأمین یک زندگی استاندارد، اشتغال، رشد اقتصادی و فرهنگی برای افراد جوامع خود، دارای تکلیف می باشند، لذا مسئله سلامت و بهداشت عمومی در ماده ۵۵ منشور ملل متحد مورد اشاره واقع گردیده که طبق بند ب ماده مذکور، دولت ها متعهد به ترویج راه حل هایی برای مشکلات مربوط به سلامت شده اند. بنابراین سلامت و بهداشت عمومی به عنوان یکی از ارکان صلح و امنیت بین المللی از سوی تابعان فعال حقوق بین الملل پذیرفته شده است که تحقق آن وابستگی به حصول سایر موارد حقوق بشری از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۳). همزمان با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، اساسنامه سازمان جهانی بهداشت به عنوان یکی از آژانس های تخصصی ملل متحد نیز لازم الاجرا گردید. لکن، این سازمان تا مدت ها به دلایل اقتصادی و مالی توفیق چندانی در حوزه سلامت و بهداشت عمومی نداشت تا اینکه به تأسی از اسناد بین المللی حقوق بشر در سال ۱۹۷۸، این سازمان اعلامیه آلماتا^۴ را تحت عنوان بهداشت برای همگان صادر نمود و از همان سال بود که تلاش خود را برای تحقق حق بر سلامت و بهداشت عمومی مضاعف ساخت. در سال های اولیه بیشترین تلاش سازمان جهانی بهداشت در راستای ریشه کنی بیماری های واگیر و فراگیر بوده است، ولیکن با صدور اعلامیه آلماتا و توجه به مصوبات سازمان جهانی بهداشت، حق بر سلامت و بهداشت عمومی فراتر از مراقبت های درمانی شامل آزادی های همچون ممنوعیت آزمایش های بدون رضایت فرد، حق بر برخورداری از بالاترین سیستم سلامت برای همگان گسترش یافته است، لذا از دیدگاه سازمان جهانی بهداشت، یک سیستم بهداشتی کامل دارای شش عنصر است که عبارتند از خدمات بهداشتی، نیروی کار شاغل در بخش بهداشت، سیستم اطلاعاتی بهداشتی، محصولات پزشکی، سرمایه گذاری بهداشتی و مدیریت و نظارت. بعدها اعضای جامعه ملل متحد تصمیم گرفتند پیمان نامه های حقوق بشر که حاوی جزئیات بیشتری در مورد حقوق و ظایف دولت ها در قبال این حق باشد را تدوین نمایند. در زمان تدوین پیمان نامه ها، اعضای این سازمان در مورد اولویت حقوق مختلف و میزان تعهداتی که برای دولت ها بایستی ایجاد شود، توافق نداشتند، لکن همگی بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خصوص مراقبت از افراد و کمک رفاهی به ایشان تأکید داشتند، در نتیجه حق بر سلامتی و دسترسی به بهداشت عمومی جز اولویت های حقوق بشری محسوب گردید (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۵).

^۲ Epidemic

^۳ Endemic

^۴ Almatay Declaration, ۱۹۷۸



۴-۳. مهاجرت غیر قانونی

مطابق بند یکم ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱: (هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید)، به بیان دیگر آزادی حرکت از هر نقطه جغرافیایی به منطقه دیگر، یکی از حقوق غیرقابل انکار نوع بشر محسوب می گردد؛ ولی از قرن بیستم به بعد این حق به واسطه اعمال سیاست های دولت ها در ورود افراد به وسیله ی وضع قوانین داخلی به طور گسترده ای محدود شده و بدین ترتیب حقوق داخلی بر حقوق نرم و قوام نیافته بین المللی که به عنوان اعمال یکجانبه سازمان بین المللی محسوب می گردند و فاقد هرگونه الزام حقوق می باشند، مستولی گردیده است (سازمان ملل، ۲۰۱۶). در واقع مهاجرت غیر قانونی پاسخ معکوسی است که به دنبال تضادی که میان مهاجرت اختیاری و محدودیت هایی که در مهاجرت قانونی از طرف دولت ها اعمال می گردد، بروز می نماید. افرادی که با شرایط نامناسب زندگی، فرصت های بد و کم شغلی و سایر شرایط نامساعد دیگر روبرو هستند و امیدوارند تا از طریق مهاجرت این شرایط را بهبود بخشند، در صورتی که با وجود قوانین و سیاست های دولت های مقصد قادر نباشند به طور قانونی بر موانع مذکور فائق آیند به این نوع مبادرت می ورزند. اعمال محدودیت های شدیدتر برای ورود قانونی مهاجرت؛ موجب افزایش تعداد ورودهای غیرقانونی به کشورهای مهاجر پذیر شده است. افرادی که اقدام به مهاجرت غیرقانونی می نمایند به ندرت شخصاً به این کار مبادرت می ورزند و اغلب به قاچاقچیان انسان متوسل می شوند، هر ساله تعداد زیادی از مهاجران در هنگام ورود غیرقانونی از طریق خشکی یا دریا جان خود را از دست می دهند (سازمان جهانی مهاجرت، ۲۰۲۰). مهاجرت غیر قانونی شکل نامتعارف مهاجرت قانونی است که با هدف دور زدن قوانین و رسیدن به مقصد توسط شخص مهاجر و یا عواملی که این نوع مهاجرت تخصص آنان است، انجام می گیرد. این مدل از مهاجرت، شکل ناهنجار قاچاق انسان است که به ظاهر شبیه ورودی های کاملاً قانونی به نظر می آید. با این وجود، قربانیان قاچاق انسان پس از رسیدن به کشورهای مقصد نیز برای بهره برداری سوء و استثمار، همچنان تحت کنترل قاچاقچیان و عوامل آنها باقی می مانند. در نتیجه، آنچه به عنوان روندی قانونی آغاز گردیده می تواند به صورت تراژدی ناخوشایند خاتمه یابد. آمار این بزهکاری ها در دنیا بسیار تکان دهنده است. از آنجایی که این قبیل جرایم ماهیتاً و عمدتاً در خفا و پنهان صورت می گیرند، کشف و شناسایی دقیق آمار افراد گرفتار شده در دام قاچاقچیان انسان چندان آسان نیست. گستره بهره گیری پنهانی از این افراد، بسیار وسیع و مختلف است که می توان به استفاده های سوء جنسی - تجاری از آنان در مراکز همچون روسپی خانه ها، کار اجباری، خدمتکاری منازل و ازدواج اجباری اشاره کرد. مهاجرت نامتعارف در سطح جهانی، به عنوان یکی از گسترده ترین موارد نقض حقوق بشر شناخته شده است؛ زیرا جنایتی وحشتناک و ناعدالتی آشکار در حقوق انسان هاست (بوهن و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۷).

۵-۳. قاچاق انسان

قاچاق انسان شامل استخدام، انتقال، پناه دادن و یا اعمال قدرت، جهت دهی یا نفوذ بر روی حرکات یک فرد است تا از او، به خصوص از طریق جنسی یا کار اجباری، بهره برداری شود. اغلب اوقات این واژه را حالت مدرن برده داری نیز توصیف می کنند. قاچاق انسان شامل استخدام، انتقال، پناه دادن و یا اعمال قدرت، جهت دهی یا نفوذ بر روی حرکات یک فرد است تا از او، به خصوص از طریق جنسی یا کار اجباری، بهره برداری شود. اغلب اوقات این واژه را حالت مدرن برده داری نیز توصیف می کنند. قربانیان، از آزارهای جسمی و روحی رنج می برند و اغلب اوقات در شرایط دلهره آوری زندگی می کنند. در ضمن اگر اقدام به فرار کنند، ممکن است با عواقب مهلکی روبرو شوند. شبکه های جنایی سازمان یافته نیز مانند افراد قاچاقچی، مرتکب این جنایت می شوند و در داخل کشورها و در سطح بین المللی فعالیت دارند. قاچاقچیان، سود کلانی را با گرفتن آزادی، کرامت و نیروی بالقوه قربانیان به چنگ می آورند و این عمل آن ها، بهای گزافی را برای فرد و جامعه به همراه دارد. قاچاقچیان انسان به طرق مختلفی از قبیل: گرفتن کارت شناسایی و پاسپورت قربانیان و نیز آزار جنسی، تهدید، ارعاب، خشونت فیزیکی و انزوا،

^۱ The Universal Declaration of Human Rights



قربانیان را تحت کنترل خود در می آورند. اغلب اوقات قاچاق انسان فعالیتی با ریسک پایین و بازدهی بالا توصیف می شود، زیرا جنایتی است مخفی و از این رو تشخیص و بررسی آن دشوار و میزان پیگرد قانونی اش در سراسر جهان نسبتاً پایین است. قربانیان بارها و بارها به نفع مالی این افراد کار می کنند و موجب سودآوری آنها می شوند. سازمان ملل تخمین زده است که این فعالیت غیر قانونی سالیانه ۳۲ میلیارد دلار آمریکا، برای عاملان آن سوددهی دارد (سازمان ملل، ۲۰۱۸).

اغلب اوقات قاچاق انسان با قاچاقی بردن افراد اشتباه گرفته می شود و با وجود این که ممکن است این جرایم دارای نقاط مشترکی باشند، اما نیازمند واکنش های قانونی و سیاسی مجزایی هستند. این دو قاچاق را می توان به چهار طریق از هم تشخیص داد. اول این که قاچاقی بردن افراد همیشه حالتی فراملی دارد؛ یعنی فعالیتی است برون مرزی، در حالی که قاچاق انسان لزوماً نباید برون مرزی باشد. دوم این که افرادی که قاچاقی می روند معمولاً خودشان از کاری که انجام می دهند، رضایت دارند، اما کسانی که تحت سلطه قاچاقچیان انسان قرار می گیرند، هیچ گاه از این امر خرسند نیستند. سوم این که افرادی که قاچاقی می روند، می توانند پس از رسیدن به کشور مقصد، هر کاری دوست دارند انجام دهند. اما در مقایسه، افرادی که تحت سلطه قاچاقچیان انسان قرار دارند، آزادی شان محدود است و مجبور هستند به انجام کارها و خدمات مختلفی تن دهند. در نهایت، کسانی که افرادی را قاچاقی می برند، در قبال کاری که انجام می دهند، پول می گیرند و مثلاً وقتی فردی را از مرز خارج می کنند، از او پول دریافت می کنند. در صورتی که، سود و فایده قاچاقچیان انسان به واسطه بهره برداری از کار یا خدمات انسان هایی است که به بند کشیده اند و از آنها استفاده می کنند (سازمان ملل، ۲۰۱۹).

۳-۶. آوارگان

عمومیت و خواستگاه و پراکندگی جغرافیایی پناهندگان، شاهدی بر تفاوت های چشمگیر شرایطی است که توسط جمعیت های کشورهای صنعتی و در حال توسعه تجربه می شود. آوارگان مهاجر و آوارگان درون مرزی، افرادی هستند که در نتیجه درگیری های مسلحانه، آزار و اذیت و تبعیض مجبور به ترک خانه یا کشور خود شده اند. آوارگان مهاجر به افرادی گفته می شود که در جستجوی پناهنده گاه سیاسی و پناهنده گاه در خارج از کشور خود هستند؛ در حالی که آوارگان درون مرزی، در حیطه جغرافیایی کشوری که در آن سکونت دارند، باقی می مانند. در سراسر دنیا حدود ۲۵ میلیون بی وطن وجود دارند؛ افرادی که از سوی هیچ کشوری به عنوان ((شهروند)) شناخته نمی شوند. طبیعتاً تنها شهروندان امکان دسترسی به حقوق بنیادین خود را دارند، بنابراین حقوق افراد بی وطن در معرض خطر دائمی است. به عقیده ((کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل)) بی وطنی دلایل مختلفی دارد: از جمله تبعیض، عدم گنجاندن همه ساکنان در بدنه شهروندی، در زمانی که دولت ها مستقل می شوند (حق جانشینی دولت ها) و تعارضات قانونی بین دولت ها. موانع اصلی در راه رسیدن به راه حل واقعاً پایدار در مورد این معضل خاص حقوق بشری، تداوم بی ثباتی سیاسی و تبعیض در کشورهای آوارگان مهاجر و پناهندگان را ایجاد می کنند (مونلار، ۲۰۱۶: ۵۲).

۳-۷. پناهنده گاه

مطابق تعریف لغوی عنوان (پناهنده) به افرادی اطلاق می شود که به دلایل سیاسی، مذهبی یا اجتماعی نتوانند در کشور متبوعشان در امنیت و آرامش زندگی نمایند و مجبور هستند به دلیل ترس از جانشان به کشور دیگری عزیمت نموده و در آنجا تحت عنوان پناهنده زندگی نمایند (پورعزیزی، ۱۳۹۰: ۵۹). مطابق بند ۲ ماده یک کنوانسیون پناهندگان^۱ مصوب ۱۹۵۱ میلادی پناهنده چنین تعریف شده است: پناهنده کسی است که در نتیجه حوادث پیش از اول ژانویه ۱۹۵۱ و به علت ترس موجه از آزار و اذیت به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی در خارج از کشور متبوع خود به سر می برد و به علت ترس مزبور یا مایل به برخورداری از حمایت کشور متبوع خود نمی باشد و یا قادر به بهره مندی از این حمایت نیست. در نتیجه این حوادث خارج از محل سکونت عادی سابق خود به سر می برد و قادر یا مایل به بازگشت به آن

^۱ United Nations High Commissioner for Refugees

^۲ Refugee Convention, ۱۹۵۱



نیست. اگرچه در عرف عمومی به این دسته از افراد عنوان مهاجر نیز اطلاق می شود؛ ولی به دلیل نظام خاص بین المللی حاکم بر پناهندگان و توجهی که سازمان ملل متحد به این دسته از افراد دارد، همچنین افزایش تعداد پرونده های جهانی پناهندگی به واسطه درگیری های نظامی در سراسر جهان نیز به طور روز افزون موجب می شود که این گروه از افراد را در گروهی جداگانه و تحت عنوان خاص خود مورد مطالعه قرار دهند و مقررات خاصی در کشورها برای اجازه اقامت این دسته از افراد در نظر بگیرند. حقوق بین الملل دولت ها را ملزم می نماید که بیگانگان متقاضی پناهندگی را در صورتی که عدم پذیرش آن ها منجر به بازگشت این افراد به مکانی که در خطر جانی قرار دارند می شود را اخراج ننمایند، به این الزام بین المللی (اصل عدم بازگشت) گفته می شود و کشوری که این افراد را پذیرا می شود؛ کشور (پناه دهنده) نامیده می شود. ماده ۳۳ کنوانسیون پناهندگان و ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر از این اصل به عنوان تکلیف اصل عمومی که می بایست توسط تمام کشورها و نه صرفاً کشورهایی که عضو اعلامیه مذکور هستند نام می برد و یادآور می شود که این اصل می بایست توسط کلیه کشورها مورد توجه و احترام قرار گیرد(اشتری، ۱۳۸۳: ۲۵).

پناهندگی انواع مختلفی دارد از جمله؛ الف) پناهنده سیاسی: پناهندگی سیاسی بر پایه ماده چهاردهم از اعلامیه حقوق بشر ژنو^۱، اگر شخصی مورد تعقیب و پیگرد دولت یا یک گروه قرار گرفته باشد، حق پناهندگی را در کشور دیگر دارد؛ بنابراین آن عده از افراد سیاسی که مخالف دولت یا گروهی خاص هستند و مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته و جان آن ها در خطر باشد، حق پناهندگی سیاسی را دارند. ب) پناهندگی نژادی: در برخی کشورها افراد بخاطر نژاد، رنگ پوست خود متأسفانه دچار آزار و اذیت توسط حکومت و اقلیت مردم کشور خود قرار می گیرند. ج) پناهنده اجتماعی: بسیاری از افراد بخاطر فشارهای اجتماعی در کشور خود و سختی های زندگی از این نوع پناهندگی استفاده می کنند؛ آنها باید بتوانند اثبات کنند در شرایط سختی زندگی می کردند. د) پناهندگی جنگی: بسیاری از پناهجویان در سراسر اروپا بخصوص در آلمان این نوع پناهندگی را تشکیل می دهند. در سال های اخیر جنگ های داخلی در سوریه باعث شده است بسیاری از افراد از کشور ناامن خود به اروپا و دیگر کشورها پناه ببرند(حسینی، ۱۳۹۶: ۶۳).

بحث و نتیجه گیری

موضوع مهاجرت دارای آثار بسیار متنوعی است و چالش های زیادی را نیز پیش رو دارد. اصلی ترین چالش های حقوق بشری پدیده مهاجرت، موضوعات مهاجرت غیر قانونی، مهاجرت اجباری، قاچاق انسان، پناهندگی و آوارگان؛ شناسایی شده اند که هر کدام به دلیل وجود عامل درونی و بیرونی به وجود آمده اند. در بحث مهاجرت غیر قانونی، فرد با انگیزه ترک کشور خودش و سکونت در کشوری با ویژگی های بهتر زندگی، سطح درآمد بیشتر و آرامش ذهنی و بدون دغدغه هایی که در کشور متبوع خودش داشت یا به واسطه اعمالی که موجب فریب دولت متبوعش می شود از طریق مجاری قانونی به روش غیر قانونی مانند استفاده از اسناد مجعول به ترک کشورش و مهاجرت اقدام کند یا به واسطه ی روش غیر قانونی واز مجرای غیر قانونی به واسطه ی افراد مجرم که همان قاچاقچیان انسان هستند از طریق مرزهای آبی و یا زمینی اقدام به مهاجرت می کنند که در این راه ممکن است به مقصد نهایی خود رسیده که در این زمینه شانس فرد در صورتی که با قاچاقچیان همراه شود، بسیار کم است، چون افراد قاچاقچی زمانی که هزینه سفر را از فرد گرفته و می توانند با فروش اعضای بدن این افراد به قاچاقچیان بدن انسان و یا تجارت این اعضا در بازارهای سیاه زیر زمینی سود هنگفتی به جیب بزنند، پس با وجود این موضوع نمی توان گفت که مهاجرت غیرقانونی همیشه به نتیجه خواهد رسید. در مواردی نیز قاچاق افراد با استفاده از هواپیماهای شخصی مورد استفاده توسط قاچاقچیان و یا با توسل به زور که در مواردی افرادی که مبادرت به مهاجرت از طریق راه غیرقانونی اما به روش قانونی، یعنی فرد سوار هواپیما می شود اما با همراهانش یا به صورت انفرادی اقدام به ربایش هواپیما برای رفتن به کشور دیگر می کنند. پس

^۱ Geneva Declaration of Human Rights



از اینکه شخص مهاجر زنده به مقصد رسید یا به اولین کشور در مسیر خود برای مهاجرت رسید، موارد دیگری پیش روی فرد قرار دارد، ممکن است توسط گارد مرزی بازداشت یا در صورت عدم توجه به هشدارهای مرزبانان توسط آنان کشته شود؛ در صورت دستگیری ممکن است در کمپ‌های مخصوص نگهداری شود که دارای وضعیت خوبی از نظر بهداشتی و شرایط زندگی برای افراد نیستند و سالیانه افراد زیادی در این کمپ‌ها جان خود را از دست می‌دهند. همچنین در صورت بازداشت فرد در این کمپ‌ها و اخراج وی از این کشور، به کشور متبوعش بازگردانده می‌شود که به دلیل اعمال مجرمانه‌ای که برای رسیدن به مقصودش انجام داده مورد محاکمه و اعمال مجازات قرار می‌گیرد و این یکی از پایان‌هایی است که ممکن است در انتظار شخصی که اقدام به مهاجرت غیر قانونی می‌کند، باشد. در زمینه چالش‌های حقوق بشری پدیده مهاجرت همانطور که گفته شد، علل اصلی این چالش‌ها را نه در جامعه بین‌المللی بلکه باید در قوانین و ساختار کشورها جستجو کرد. سیاست‌های داخلی متفاوت کشورها، اوضاع اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی موجود در کشورها، برخورد‌های متفاوت با مهاجرین و اتباع مهاجر، قوانین متفاوت و موضوع تعارض قوانین سبب ایجاد چالش‌های مطرح شده در حدود مرزهای داخلی کشورها می‌شود که سبب چالش‌های بین‌المللی حقوق بشری در موضوع مهاجرت می‌شود.

منابع

1. ابراهیم گل، علیرضا؛ کریمی، سیامک (۱۳۹۴). تقابل تمامیت سرزمینی و حقوق بشر؛ ارزیابی حقوقی نظریه جدایی چاره ساز. **پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل**، سال سوم (۲)، ۲۷-۱.
2. اسدپورتهرانی، علیرضا (۱۳۸۳). بررسی حقوق و آزادی‌های بنیادین زنان در کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان. **نشریه حقوق اساسی**، سال سوم (۵)، ۲۴۹-۲۸۰.
3. اسلامی، رضا؛ میریان، سارا (۱۳۹۴). بردگی جنسی کودکان و ساز و کارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران. **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال ششم (۱)، ۳۶-۷.
4. اسلامی، رضا؛ ابوترابی، فاطمه (۱۳۹۸). نقد اقدامات تقنینی در مقابله با قاچاق انسان در حقوق ایران با تأکید بر موازین بین‌المللی حقوق بشر. **مجله حقوق بین‌المللی**، (۶۱)، ۱۳۱-۱۰۹.
5. اشتری، بهناز (۱۳۸۲). کنوانسیون ۱۹۴۹، تورسم جنسی و آسیب‌های ناشی از قاچاق زنان. **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی**، ۲۳۰-۲۴۴.
6. حسینی، سید لطیفه (۱۳۹۶). بررسی حقوقی وضعیت تابعیت و بی‌تابعیتی زنان از منظر حقوق بشر. **مطالعات زن و خانواده**، دوره پنجم (۲)، ۱۰۱-۱۲۸.
7. خلف رضایی، حسین (۱۳۹۵). چالش حقوق بشر و شورای امنیت در چارچوب نظام مسئولیت. **حقوق بشر و شهروندی**، (۱)، ۱۰۵-۱۲۴.
8. دامت، مایکل (۱۳۸۶). مهاجرت و پناهندگی. ترجمه اکبر سلیمانی، **فصلنامه امنیت**، سال پنجم (۳)، ۱۷۳-۱۸۰.
9. ذاقلی، عباس (۱۳۸۸). بررسی ظرفیت دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به بزه قاچاق انسان. **پژوهش حقوق و سیاست**، سال یازدهم (۲۶)، ۱۸۱-۲۰۲.
10. ذاکریان، مهدی (۱۳۹۰). فرآیند یکپارچگی نسل‌های حقوق بشر. **سیاسی اقتصادی**، (۱۵۷)، ۱۲۸-۱۳۵.
11. راعی دهقی، مسعود؛ موسوی، کاوه (۱۳۹۵). حقوق خواهان و خواننده از منظر حقوق بشر، با تأکید بر رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر. **مجله حقوقی بین‌المللی**، (۵۵)، ۲۱۰-۱۸۵.



۱۲. زارع نعمتی، رویا(۱۳۹۵). بحران قاچاق انسان و مهاجران غیرقانونی در پرتو حقوق بین الملل و عملکرد اتحادیه اروپا در مقابله با این بحران. **رویکردهای نوین در علوم انسانی**، ۲-۲۸.

۱۳. Adams, Richard H. (۲۰۰۵). Do International Migration and Remittances Rduce Poverty in Development Countries? **Eorld Development**, Vol.۳۳ (۱۰).
۱۴. Albright, Karen; Green Baum, Jordan; Edward, Sherry A. & Tsai, Carmelle. (۲۰۲۰). Systematic review of facilitators of, barriers to, and recommendations for healthcare services for child survivors of human trafficking globally. **Elsevier ltd, Child Abuse & Neglet**, vol.۱۰ (۲۵).
۱۵. Altindag, Onur. &Kaushal, Neeraj.(۲۰۱۷). Do Refugees Impact Voting Behavior in the Host Country? Evidence from Syrian Refugee Inflows in Turkey. **IZA – Institute of Labor Economics**, (۱۰۸۴۹),
۱۶. Barbulescu, Roxana & Grugel, Jean. (۲۰۱۶). unaccompanied minors, Migration control and Human Rights at the EU’s southern border: The role and limits of civil society activism. **Migration Studies**, Vol۴ (۲), ۲۵۳-۲۷۲.
۱۷. Bell, Brian. (۲۰۱۴). Crime and immigration: Do poor labor market opportunities lead to migrant crime? **IZA World of Labor**, Vol.۵ (۳۳), ۱-۱۰.



Human Rights Challenges of Migration Phenomenon with Emphasis on the Right to Health

Alireza Ansari Mahyari,

Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
alimahyari۶۳@gmail.com

Zahra Sadat Hosseini

.Ph.D Student in International Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
Zahra.hosseini۰۰@yahoo.com

Ahmad Radman

M.A in International Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author)
Ahmadradman۱۹۹۴@gmail.com

Abstract

The phenomenon of immigration in the international community today is a widespread global issue, and this extent has caused challenges in this direction for migrants who face these problems on the way to their destination. Existence of various laws in the country on the subject of immigration, as well as various international procedures in this field, causes many legal problems for immigrants, as well as immigrant and first immigrant governments. Immigration and human rights are two separate but closely related issues and it can be said that human rights are one of the main components of the issue of immigration. The aim of the author in this dissertation is to examine the relationship between immigration and human rights issues, the scope of which is limited to international legal and non-legal problems, and what are the causes of these problems using descriptive-analytical methods to the causes. The existence of these human rights challenges in the field of migration is answered in this dissertation. The aim of the researcher in this dissertation is to investigate the causes of human rights challenges in the field of migration and focus on achieving results in reducing and eliminating these challenges. The weakness of domestic laws as well as the weakness and inefficiency of international laws and procedures, which ultimately leads to the will of a suitable solution to address these challenges in the international community, using an international unity that includes the creation of an alliance. Among the international organizations related to human rights and immigration issues and creating a unity of legal procedure among members of the international community and using the experiences and plans of human rights organizations in the issues raised to address these challenges.

Keywords; International Law, Right to Health, Immigration, Refugee, Human Trafficking.